

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی

شماره ۵۸. بهار ۱۳۹۹

Urban management

No.58 Spring 2020

۹۱-۱۱۱

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۳/۱۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۹/۵

تحلیل چالش‌های نماهای شهری تهران در سده اخیر

سیدمهدی خاتمی^۱ استادیار طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس
پوریا بوجاری دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

Analyzing the Challenges of Tehran Urban Facades in the Recent Century

Seyed Mahdi Khatami*

Assistant Professor of Urban Design, Tarbiat Modares University

Email: s.khatami@modares.ac.ir

Pouria Boujari

M.A. Student of Urban Design, Tarbiat Modares University

Abstract

Facade is one of the most effective elements on the visual quality of the city which makes a part of the landscape, but it has become one of the most important challenges in Iranian cities due to the disorder and chaos. In spite of the explanation of the problem in some academic circles and also the concerns of urban managers in last decade, the facades are still chaotic. The reason could be found at our point of view and the answer is not limited in the physical dimensions. So, the aim of this study is to investigate the visual characteristics and effective factors of the urban facades formation in order to determine a conceptual model of its effective factors. The first step is to study the evolution of urban facades in the recent century; Ghajar, Pahlavi and the Islamic republic periods. These factors have been investigated and analyzed by deep interviews with experts, people's ideas through questionnaire and study of relevant documents. After all these analysis, the three main components of the facade including identity, morality and beauty and on the other hand two other factors including stockholders and time-place related conditions are identified as effective factors on urban facades in each mentioned period. In conclusion, some solutions to improve urban facades including: 1- Urban and architecture education, 2- Urban management, 3- Public awareness, 4- Urban documents and laws have been explained.

Keywords: Urban facades, Facade transformation, Urban facade morphology

چکیده

نمای یکی از موثرترین عناصر تاثیرگذار بر کیفیت بصری شهر است که جزئی از منظر و کالبد شهر را می‌سازد اما به دلیل بی‌نظمی، اغتشاش، هم‌نشینی ناهمگون و به طور کلی نابسامانی به یکی از چالش‌های اکنونیت شهرهای ایرانی تبدیل شده است. در این راستا علی‌رغم تبیین مسئله نما در برخی محافل علمی و از آن مهم‌تر تبدیل آن به مسئله مدیران شهری در دهه اخیر، کماکان نماها آشفته هستند. دلیل آن را بایستی در زاویه نگاه به مسئله نما جستجو کرد. محدود کردن مسئله نما به ابعاد کالبدی و نگاه‌های یک جنبه‌نگر راه به جایی نمی‌برند. در این راستا هدف پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی ویژگی‌های ظاهری و شناسایی نیروهای اثرگذار بر شکل‌گیری نماهای شهری است تا بتوان از طریق تدوین مدل مفهومی نیروهای اثرگذار بر نماهای شهری، راه‌حلی برای بهبود نما پیشنهاد داد. بدین منظور در این پژوهش، در گام اول سیر تحول نماهای شهری در سده اخیر شامل اواخر دوره قاجار، دوره پهلوی و جمهوری اسلامی بررسی گردید و از طریق مصاحبه عمیق با متخصصین، آشنایی با نگاه مردم از طریق پرسش‌نامه و بررسی اسناد و مطالعات مربوطه مورد تحلیل قرار گرفت. پس از تحلیل فوق، سه مولفه اصلی نما یعنی هویت، اخلاق و زیبایی‌شناسی و دو عامل اقتضائات زمان و مکان از یک طرف و گروه‌های ذی‌نفع از طرف دیگر به عنوان نیروهای اثرگذار بر نماهای شهری شناسایی و به تحلیل آن‌ها در هر یک از دوره‌ها پرداخته شد. در انتها راه‌حل‌های بهبود نماهای شهری در چهار بخش ۱- اصلاح نظام آموزشی معماری و شهرسازی، ۲- بهبود مدیریت شهری، ۳- آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی، ۴- و اصلاح اسناد فرادست و قوانین تشریح گردید.

کلیدواژگان

نمای شهری، جداره شهری، سیر تحول نما، آسیب‌شناسی نما

۱- مقدمه

نمای شهری گویای بخشی از فرهنگ یک جامعه و بیان گر نحوه برخورد شهروندان در پذیرش ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی آن جامعه است. توجه به نما در فرایندهای موجود در حوزه معماری و شهرسازی اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت نما، اولاً از آن جهت است که صورت معماری و مدخلی است که معماری به واسطه آن فهمیده می‌شود. دوماً این که هر بنایی درونی دارد و بیرونی، که درونش در تعامل با زندگی‌کنندگان در آن، و بیرونش در تعامل با همه مردم است. پس نما چه از حیث موضوع و چه از حیث گستردگی جامعه‌ی مخاطبان آن اهمیتی ویژه دارد. این اهمیت با مطالعه بیگی و همکاران (۱۳۹۲) که بر اثرگذاری سوء نماهای آشفته کنونی نظیر اضطراب، استرس، ترس، عدم امنیت و عدم نشاط بر مردم و نارضایتی آنان صحنه می‌گذارد، دوچندان می‌شود. لذا هدف پژوهش حاضر، ارائه راه‌حلی برای بهبود حال نماهای شهری در ایران و رهایی از وضعیت آشفته کنونی است. بدین منظور روش اصلی نوشتار حاضر بر پایه بررسی سیر تحول نماهای شهری در سده اخیر است. چرا که اولین گام بعد از شناخت مسئله در جهت ارائه راهکار برای آینده نماهای شهری، آسیب‌شناسی و درس‌آموزی از تجربیات زیسته خود در این زمینه در طی زمان است. در این راستا اولین گام پژوهش، بررسی سیر تحول نماهای شهری تهران در سده اخیر است که در این قسمت، مشخصات ظاهری و عوامل زیر لایه هر دوره به صورت جداگانه مطالعه شده است و در گام بعد، به تحلیل، مقایسه و ذکر وجوه افتراق و اشتراک دوره‌ها و همچنین دیدگاه مردم نسبت به نماهای دوره‌های مختلف پرداخته شده است. در گام آخر، راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی به عنوان نقطه شروع بهبود نماهای شهری ایران در آینده ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

علی‌رغم تبیین مسئله نما و لزوم توجه به تاریخ و فرهنگ

زیسته خود در نماسازی برای ارائه راهکار، پژوهش‌های نظری بسیار کمی در زمینه بررسی سیر تحول نما و شناسایی نیروهای اثرگذار بر آن انجام شده است. در این راستا با بررسی پایگاه داده نورمگز و SID و جستجوی کلید واژگان "بدنه(های) شهری"، "نما(ها)ی شهری" و "جداره(های) شهری" در قسمت عنوان مقالات، تعداد ۱۸ مقاله علمی-پژوهشی با موضوع نماهای شهری یافت شد. از آن میان پورجعفر و جوهری (۱۳۹۲)، خاک‌زند و همکاران (۱۳۹۳)، عطار و کاشی (۱۳۹۶)، غضنفری و آزره (۱۳۹۷) و موسوی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی عوامل و معیارهای طراحی بدنه نماهای شهری با تأکید بر ابعاد کالبدی، زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی پرداخته‌اند. سیدیان و همکاران (۱۳۹۶) گونه-شناسی بافت نمای میدان امام خمینی (ره) تهران را از نظر شکلی بررسی کرده‌اند.

ابافت یگانه (۱۳۸۷) و جلیلی صدرآباد و بلبلی (۱۳۹۶) مصالح نماهای شهری و جایگاه و رابطه آن با هویت و توسعه پایدار را بررسی کرده‌اند. متدین و حجتی (۱۳۹۱)، مهدوی‌نژاد و پورفتح‌اله (۱۳۹۴) و نقی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) ملاحظات فرهنگی و هویتی نماهای شهری و ارتقای حس تعلق را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بیگی و همکاران (۱۳۹۲) تأثیرات روحی و روانی بدنه‌های شهری بر شهروندان ارزیابی نموده‌اند. طباطبایی (۱۳۸۴) چگونگی تلفیق نماهای نو و کهنه در بدنه‌های شهری را بررسی کرده است. فلاح و سعادت‌بخش (۱۳۹۳) به چگونگی تهیه نقشه نماهای معابر شهری از طریق فریم‌های متوالی ویدئو اشاره کرده است. عقیفی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تزیینات جداره‌های ارزشمند تاریخی با هدف الگویی برای تداوم تزیینات معماری ایرانی-اسلامی در بدنه‌های شهری پرداخته است.

ظفری و لطیفی (۱۳۹۵) به بررسی و شناسایی انواع ناهنجاری کالبدی در نماهای شهری پرداخته است. خدایی و همکاران (۱۳۹۷) کاربست رویکرد ایرانی اسلامی در فرآیند تحلیل و ارتقا کیفیت نماهای شهری را بررسی کردند. خاتمی (۱۳۹۸) چالش‌های رویه‌ای طراحی نماهای شهری تهران و

برخی راه‌حل‌های آن را مورد مطالعه قرار داده است.

۲- روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش حاضر مبنی بر تحلیل چالش‌های کنونی، سیر تحول نماهای سده اخیر در اواخر دوره قاجار، دوره پهلوی و جمهوری اسلامی بررسی شده است. بدین منظور از طرفی تهران به دلیل پایتخت کشور و هم‌چنین الگو بودن برای سایر شهرهای ایران به عنوان نمونه موردی بررسی شده است. و از طرف دیگر در این پژوهش، به صورت ویژه بر نمای رایج و غالب خیابان‌های اصلی تهران نظیر خیابان شریعتی، فردوسی، انقلاب و امثال آن در دوره پس از انقلاب اسلامی و مشکلات کنونی آن تأکید شده است.

در این راستا ابتدا نگارندگان به تدوین چارچوب نظری اولیه با مباحثه حول تجربیات زیسته و اندوخته‌های فکری خود پرداخته و به یک دسته‌بندی اولیه و کلی از دوره‌های نماهای شهری تهران شامل یک دوره قاجار، یک دوره پهلوی و دو دوره جمهوری اسلامی از طریق بررسی نمونه‌های موجود رسیدند. سپس با بررسی و تحلیل هر یک از دوره‌ها، موضوعات کلیدی شامل هویت، زیبایی‌شناختی بصری، توجه به زمینه، ابعاد زیست محیطی، قوانین و ضوابط و میزان خودنمایی استخراج شد. در مرحله بعد مصاحبه‌های عمیقی پیرامون موضوع دسته‌بندی دوره‌های تغییرات نما، عوامل ظاهری و نیروهای اثرگذار و نقاط ضعف و قوت هر یک برای اصلاح دسته‌بندی اولیه و هم‌چنین ارائه راهکار برای بهبود نماهای شهری آینده، انجام گرفت و در آخر از مصاحبه‌شونده‌ها خواسته شد که به هر یک از شاخص‌های به دست آمده بر طبق دسته‌بندی خود از طریق طیف پنج‌تایی لیکرت امتیاز دهند. شیوه نمونه‌گیری آن‌ها به صورت انتخابی و از میان متخصصین طراحی شهری و معماری بود که پس از انجام مصاحبه عمیق با تعدادی از صاحب‌نظران به اشباع نظری در زمینه موضوع مورد بحث رسیده شد. بعد از آن با تدوین پرسش‌نامه آنلاین، نظرات مردم در مورد نماهای دوره‌های مختلف با طرح یک سوال کلی که "چه میزان

نماهای شهری	بعد روایی
ابداء کالبدی و زیبایی‌شناسی	طباطبایی (۱۳۸۴) - خاک‌زند و همکاران (۱۳۹۴) - موسوی و همکاران (۱۳۹۵) - جلیلی صدرآباد و بلیلی (۱۳۹۶) - سیدیان و همکاران (۱۳۹۶) - عطارد و کاشی (۱۳۹۶) - عقیفی و همکاران (۱۳۹۷) - غضنفری و آزره (۱۳۹۷)
ابداء فرهنگی و هویتی	ابافت یگانه (۱۳۸۷) - نقی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) - متدین و حجتی (۱۳۹۱) - پورجعفر و جوهری (۱۳۹۲) - مهدوی‌نژاد و پورفتح‌اله (۱۳۹۴) - مظفری و لطیفی (۱۳۹۵)
ابداء روانی	بیگی و همکاران (۱۳۹۲)
دوبه‌ها و ابزار	فلاح و سعادت‌سرشت (۱۳۹۳) - خدایی و همکاران (۱۳۹۷) - خاتمی (۱۳۹۸)

جدول ۱: نقشه مفهومی پیشینه پژوهش نماهای شهری در ایران

با بررسی مطالعات نام‌برده مشخص شد که اکثر آن‌ها به بعد محتوایی نما و اصول طراحی جداره شهری خوب پرداخته‌اند. اما این که عوامل زیرلایه در طراحی نماهای شهری آشفتنه امروزین شهرهای ایرانی چه بوده است و چه کسانی در آن نقش داشته‌اند، بسیار کم مورد کندو کاو قرار نگرفته است. لذا در پژوهش حاضر با نگاهی همه‌جانبه، چالش‌های نماهای شهری در سه بخش تحلیل متغیرهای زمینه‌ای (اقتضائات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و فنی زمان و مکان)، تحلیل عاملیت انسانی (گروه‌های ذی‌نفع) در فرایند طراحی نماهای شهری و تحلیل نشانگرها و پیامدهای نماهای شهری (بعد کالبدی) شناسایی شد.



نمودار ۱: چارچوب نظری پژوهش

به خصوص در اوایل این دوره پررنگ بود. غرب‌گرایی اگر چه تأثیراتی گذاشت، اما به گونه‌ای نبود که جریان‌سازی کند. لذا هنوز در نماها، مصالح و تزئینات بومی و اصول حاکم بر معماری گذشته مشاهده می‌شود. "در واقع با تامل بر هنر قاجار دریافت می‌شود که هنرمندان آن دوره به روال فرهنگ ایرانی این گونه عمل نموده‌اند که فرهنگ بیرونی را در خود مستحیل سازند، نه خویش‌ستن را در آن، و این یکی از ارزشمندترین رویکردهای هنر قاجاری است" (بانی مسعود، ۱۳۹۴).



تصاویر ۱: نمونه نماهای شهری دوره قاجار (منبع دو عکس پایین: Instagram/shahrnegari)

در این دوره سلسله‌مراتب از جزء تا کل در نما وجود داشت. معمولاً با تقسیم سطح نما به سه یا پنج قسمت (تعداد فرد) و تأکید بر قسمت مرکزی از طریق ایجاد پیش‌آمدگی و مرتفع کردن آن، وحدت بر نما حاکم و تمامی سطوح ساختمان‌سازی می‌شد. تزئینات جزئی از معماری ساختمان بود و در خط‌بام، جزییات گره‌چینی با آجر به عنوان یکی از نشانه‌های

نماهای شهری موجود در تصاویر برای تهران مناسب است؟" و طرح سه سوال جزئی که "چقدر نماها با هویت تهران سازگار است؟ چقدر این نماها به دنبال خودنمایی است؟ و چقدر از زیبایی بصری برخوردار است؟"، بررسی شد. براساس جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی از میان دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه تربیت مدرس، تعدادی ۳۲۰ نفر جامعه آماری مطالعه را تشکیل دادند. سرانجام با بررسی سیر تحول دوره‌های نما و استخراج عوامل کلیدی، مدل مفهومی نیروهای اثرگذار بر نماهای شهری در سده اخیر تدوین گشت و براساس آن، مدل مفهومی هر یک از دوره‌ها با وزن دهی به مولفه‌های آن ترسیم و سپس نتایج آن با نظرات مردم تطبیق داده شد. در نهایت با توجه به نقاط ضعف و قوت هر یک از دوره‌ها، برخی راه‌حل‌های بهبود نماهای شهری در ایران ارائه گردید.

۳- سیر تحول نماهای شهری تهران در سده اخیر

در این قسمت دوره‌های مختلف نماهای شهری به سه دوره اصلی تقسیم شده است که عبارتند از: دوره قاجار، دوره پهلوی و دوره جمهوری اسلامی. در هر یک از دوره‌ها، ویژگی‌های بصری از جمله نحوه ترکیب توده و فضا، اصول هندسی، خط آسمان و زمین، مصالح، رنگ، بازشوها، تزئینات، سیستم‌سازی، روابط عناصر نما با یکدیگر براساس تحلیل تصاویر هر یک از نماهای دوره‌های نام‌برده استخراج شده است. هم‌چنین نیروهای اثرگذار، فرآیند تولید، کنشگران دخیل در آن و به طور کلی شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن‌ها نیز بررسی شد تا بتوان با درس‌آموزی از آن‌ها به ارائه راه‌حل‌هایی برای آینده پرداخت.

۱-۳- دوره قاجار

هم‌زمان با ایجاد ارتباطات وسیع با جوامع اروپایی و سفر پادشاهان قاجار به اروپا، گرایش به غرب از اواسط دوران قاجار آغاز شد. در این دوره، درب‌های مملکت به تدریج بر روی غرب نیمه باز شد، اما کماکان نگاه به گذشته تاریخ سرزمین،

جهانی غلبه دارد.

۲-۳- دوره پهلوی



تصاویر ۲: نمونه نماهای شهری دوره پهلوی (منبع عکس‌های پایین و بالا چپ: Instagram/shahrmegari)

نماهای این دوره است. از قوس جناغی (تیزه‌دار) به عنوان یک عنصر هویت بخش با عملکرد سازه‌ای استفاده می‌شده است. بازشوها دارای تناسبات سه‌دری و پنج‌دری و جنس آن‌ها چوبی بود که با هم‌نشینی در کنار آجر ترکیب مناسبی را به وجود می‌آورد و با ظرافت‌های خاص و ایجاد فرورفتگی، فضای پنجره بر روی سطوح نما تعریف می‌شد.

البته ظهور عناصر جدید با توجه به آغاز گرایش به غرب از طریق سفرهای حاکمین زمان از جمله ناصرالدین شاه در این دوره غیرقابل انکار است. چگونگی این گرایش در معماری را بیشتر از پلان و عملکرد ساختمان، در نما و نقوش دیواری می‌توان مشاهده کرد (بانی مسعود، ۱۳۹۴). در این دوره، عناصری ظاهری نظیر کلاه فرنگی که بروز آن در نما به کارگیری سقف‌های شیروانی است، اقتباس شده و در تهران به عنوان پایتخت‌کشور رواج می‌یابد. هم‌چنین می‌توان به ظهور خیابان به عنوان مصداقی دیگر از این گرایش اشاره کرد که سبب شد در این دوره برخلاف دوره‌های قبل، بازشوها از حیاط درونی ساختمان به نماهای بیرونی انتقال یابند و فضاهای عمومی به درون ساختمان‌ها کشیده شوند.

در این دوره، معماری به عنوان یک رشته دانشگاهی وجود نداشت و انتقال دانش و هنر معماری سینه به سینه و نسل به نسل صورت می‌گرفت. تکنولوژی ساخت و مصالح نسبتاً محدود بود. سازه ساختمان‌ها دیوارهای باربر بود که تاثیر خود را بر نما می‌گذاشت و مصالح غالب، آجر قزاقی بود که به همراه کاشی و گچ به انسجام و هماهنگی نماهای شهری کمک می‌کرد. کم و بیش، معماری دوره صفویه که آن هم حاصل سنت چند هزار ساله تاریخ معماری این سرزمین بود، تاثیرات خود را بر کالبد نما در این دوره به جای گذاشته بود و جا پای تجدد هنوز سفت نشده بود تا بتواند به جدال با سنت به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرم‌دهنده هویت جامعه ایرانی بپردازد. در این دوره می‌توان هم‌نشینی مسالمت‌آمیز سنت و تجدد را تا حدودی که به تقابل نپردازند، در نماهای شهری مشاهده کرد. لذا هم‌چنان فرهنگ محلی بر فرهنگ

در دوره پهلوی، جریان غرب بر جامعه ایرانی تاثیر بیشتری گذاشت. فرهنگ بیگانه و به بیانی دقیق‌تر تجدد به صورت انتقالی و نه به خواست و نیاز جامعه بر آن حاکم شد که خاستگاه اصلی آن تهران بود. جریان تجدد که برون‌داد شکل-گیری رنسانس‌های متعدد در بستر اجتماعی غرب بود- آن هم نه یک شبه و آنی بلکه در مدتی حدود نیم‌هزاره و به صورت تدریجی- با رویکرد از بالا به پایین توسط حاکمیت راه به ایران آن زمان باز کرد و سیاست حاکمیت بر مدل اقتصادی- اجتماعی توسعه بیرونی که هدف آن به گفته رفیع پور (رفیع پور، ۱۳۹۵، ص ۷۴) دستیابی به عناصر ظاهری توسعه است، بنا نهاده شد. به همین دلیل در این دوره فرهنگ جهانی بر فرهنگ بومی و محلی غلبه کرد و دامنه نفوذ آن به معماری و نماهای شهری تهران رسید. البته در این روند، بازگشت دانشجویانی که برای تحصیل در این رشته به

کشورهای غربی رفته بودند و تاسیس رشته معماری در سال ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران و آموزش معماران طبق نظام غرب، موثر بوده است. لذا عناصر هویت بخش بومی نماها و جداره‌های شهری کم رخت بست و نوعی یکسان سازی که به واسطه استانداردسازی و انبوه سازی شکل گرفته بود، بر معماری حاکم شد و سبک بین‌المللی که به زمینه و بسط نظری نداشت، پا گرفت.

با ورود مصالح جدید و تکنیک‌های نوین ساخت در این دوره، نماها متحول گشت؛ با رواج اسکلت فلزی و از بین رفتن نقش سازه‌ای دیوارها، استفاده از شیشه در نما افزایش یافت و نماها شفاف‌تر شد. یکی از مهم‌ترین تغییرات در نمای اوایل این دوره، نحوه فرمیابی توده و فضای ساختمان است که با طراحی حجمی، فضاهای پر و خالی در ساختمان ایجاد می‌شود و فضای نیمه باز عنصری اثرگذار در ترکیب ساختمان و نمای آن می‌گردد. گرچه این رویکرد در دوره پهلوی دوم کم‌رنگ‌تر شد. به طور کلی، معماری این دوره تحت تاثیر معماری مدرن غرب بود که چندان هم‌خوانی با سنت معماری گذشته ایرانی نداشت. در این دوره بر خلوص فرم و سادگی تاکید می‌شود. تقارن در بناها از بین می‌رود و تعادل به جای آن در طراحی ساختمان از اصول حاکم بر نماها می‌شود. تزیینات در نماها به حداقل می‌رسد و عناصر بومی از نماها حذف می‌شود. پنجره‌ها حالت افقی پیدا می‌کنند و بر بعد افقی نما تاکید می‌شود. هم‌چنین با مسطح شدن سقف بناها خطوط آسمان به خطوط افقی تبدیل گشت و از حالت شیروانی که در دوره قاجار مرسوم بود، خارج شد.

با ورود دوره مدرن در ایران، آیین‌نامه‌ها و قوانین به عنوان عاملی نو در اثرگذاری بر معماری و نماها مطرح گشت. "تا قبل از این دوره، معماری در بسط ارگانیک شهرها و بر پایه سنت نیاکان و بر اساس دانش و بینش معمار صورت می‌گرفت. اما در شرایط جدید مدنیت و سیستم مدیریت شهری جدید، ساخت و ساز برای اولین بار در کنترل مدیریت واحد شهری قرار می‌گیرد. منوط کردن هر اقدام ساختمانی به

صدور پروانه ساختمان از سوی شهرداری و ارائه ضوابط و استانداردهای فراگیر لازم‌الاجرا در متن آیین‌نامه، همگی اقدامات مدرنی هستند که با روش‌های پیشین شکل‌گیری فضاهای زیستی شهری تفاوت دارند" (عمرانی پور و افشار اصل، ۱۳۸۶). در همین راستا اولین قوانین مربوط به نمای شهری، قانون پیش‌آمدگی در گذرها در سال ۱۳۱۸ و آیین‌نامه ساختمانی شهر تهران در سال ۱۳۲۱ تدوین می‌شود. از این پس تصویب برخی قوانین در عرصه کلان‌مدیریتی هر چند که نما در آن‌ها موضوعیت نداشت، ولی به طور غیر مستقیم بر نماهای شهری تاثیرگذار بود. از جمله آن‌ها می‌توان به اجرای قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ اشاره کرد که به واسطه آن میزان مهاجرت از روستا به شهر شدت یافت. نگاه‌ها به شهرها دوخته شد و مردم به شهرها هجوم آوردند و با توجه به عدم استطاعت مالی کافی، به حاشیه‌ها پناه‌ها بردند. لذا کیفیت ساخت‌وسازها و به تبع آن نماسازی پایین آمد.

در مجموع اگر چه مسیری در امتداد تاریخ این سرزمین برای هویت جامعه طرح ریزی نشده بود، اما مسیر و برنامه‌ای برای آن وجود داشت و جامعه با دوراهی و یا چند راهی هویت مواجه نبود. همین سبب شد تا نماهای شهری در این دوره نیز از هماهنگی و انسجام نسبی برخوردار باشند، چرا که اساساً در فرآیند فرمیابی نمای شهری، هویت و شرایط حاکم بر جامعه از مهم‌ترین نیروهای تاثیرگذار در این روند است.

۳-۳- دوره جمهوری اسلامی





تصاویر ۳: نماهای شهری دوره جمهوری اسلامی

در دوره جمهوری اسلامی، دوگانگی سنت و تجدد در جامعه رنگی جدید به خود می‌گیرد. در دوره‌های قبل بدین گونه بود که یکی بر دیگری غالب بود. در دوره قاجار، سنت و در پهلوی، تجدد. اما در این دوره جدال این دو با یکدیگر جدی‌تر است. شکل‌گیری جناح‌های مختلف سیاسی را می‌توان مصداقی از این دوگانگی برشمرد که یکی سیاست مبتنی بر توسعه بیرونی را اتخاذ کرده و دیگری با برداشت‌های مذهبی خود به اصطلاح به اصول پایبند است. به زعم شایگان (۱۳۷۸) در این دوره توهمی مضاعف به دو وجه منفی غرب - زدگی و بیگانگی از خود بروز می‌کند. بیگانگی از آن جهت که شایستگی ما به غرب و فلج ذهنی ما در مقابل فرآورده‌های خیره‌کننده آن، تذکری که مستلزم تفکر سنت ما بوده، از میان می‌برد. از این‌رو، راه ما هم به تفکر غربی بسته است و هم به کانون تجلیات خاطرات بومی. "شهرسازی معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی واقع گردیده، از طرفی این بی‌هویتی در معماری و به تبع آن در نمای معماری خود را بیشتر مشهود می‌نماید. در واقع نما در معماری امروز تنها به عنوان پوشش نهایی مطرح است" (Nasr, 2005, 71).

درک روشنی از هویت در این دوران برای حاکمان، مدیران و هم‌چنین مردم وجود ندارد و به واسطه خطای عاملان آن و نه تقدیر تاریخی، دو دسته، چند دسته و به قولی چهل تکه می‌شود که بروز آن در معماری امروز را می‌توان به وضوح دید. در

این ملغمه، عده‌ای بر طبل اسلامی آن به تنهایی می‌کوبند و می‌خواهند از آن شاخصه بیرون بکشند و عده‌های دیگر بر ایرانیّت آن به صورت صرف تاکید می‌کنند. در واقع آشفتگی نمای امروز شهرهای ایرانی نتیجه همین آشفتگی فرهنگی جامعه امروز ایرانی است. مسلم است که وقتی هنوز مسیر مشخصی برای فرهنگ و هویت جامعه تعریف نشده است، نمی‌توان انتظار هماهنگی در نماهای شهری داشت. "دشواری معماری معاصر ایران نه در شکل پایان یافته آن، که در نشناختن منشأ و هویت اثر معماری در جایگاه معمار در آفرینش اثر است. پرسش هویت شهری که تنها تا هنگامی که خود هویت نهان است، پیش می‌آید، هم‌زمان پرسش از هویت شهرساز و معمار و سازندگان و مخاطبان شهر است و بدین ترتیب تنها با آشکار شدن همه آن‌ها می‌تواند پاسخ گفته شود" (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲).

هرچه در این سده به سمت حال نزدیک‌تر می‌شویم، بحران هویت در جامعه جدی‌تر می‌شود که از نتایج آن می‌توان به شکاف نسلی / دهگی اشاره کرد که آموزش نتوانسته هویت درست را تولید کند و نتیجه این می‌شود که تعدد الگوهای نما بیشتر و وضعیت نماها باری به هر جهت تر می‌شود. به گونه‌ای که در اوایل انقلاب نماهای ساختمان بسیار ساده و مصالح غالب سنگ بود. نما عاری از هر گونه تزئینات و بازشوها به مانند حفره‌ای بر نما می‌ماندند. هیچ ظرافت و جزئیاتی در نما دیده نمی‌شد. اصولی چون تقارن، تعادل و وحدت در نماها از بین می‌رود. اما هر چه از اوایل انقلاب به حال نزدیک می‌شویم، نما آشفته و آشفته‌تر می‌شود. هر روز مصالحی مد می‌شود؛ به گونه‌ای که بعد از آن سنگ گرانیّت رواج می‌یابد. مدتی بعد آلکوباند مورد استقبال قرار می‌گیرد. مدتی نمای شیشه‌ای که کاملاً تقلیدی و وارداتی و تحت تأثیر معماری ژورنالیستی غربی است، باب می‌شود. گاهی دیگر آجر سه سانت و دست آخر نیز از هر مصالحی چون سنگ، شیشه، چوب و رنگ‌های مختلف و ناسازگار در نما استفاده می‌شود. این که به واسطه بروز

نماهای رومی خصوصاً در شمال تهران، استفاده از سنگ در نما شدت می‌یابد و نما از سطوحی عاری از هر گونه جزئیات و تزئینات به نماهایی پرطمطراق و پر تفاخر تبدیل می‌شوند. قوس‌های رومی تزئینی و ریزه‌کاری‌های زیاد بر روی سنگ، وسیله‌ای برای خودنمایی هرچه بیشتر در این دوره می‌شود و بار دیگر نماها متقارن می‌گردد. لذا در مجموع آشفتگی و انسجامی در نماهای شهری شکل می‌گیرد که هماهنگی و انسجامی بین آن‌ها وجود ندارد. در واقع "این تحول سریع، امکان ایجاد هر گونه حس وحدت، انسجام و نظم را در فضای شهر بیش از حد مشکل می‌کند" (طباطبایی، ملک، ۱۳۸۴).

روی آوردن به نمای رومی در دهه ۹۰، دو ریشه داخلی و بیرونی دارد. ریشه داخلی آن به حس بیگانه‌گرایی که در فرهنگ ایرانی به نمادی از تفاخر و الیناسیون فرهنگی تبدیل شده است، برمی‌گردد. این که چندی است به معماران سفارش طراحی نما، بدون توجه به درون ساختمان داده می‌شود، گویای این امر است که رفته رفته این خودنمایی و فردگرایی شدیدتر می‌شود. به گفته رفیع‌پور خودنمایی و فردگرایی (۱۳۹۵، ص ۲۷۰) در دوران جدید یعنی از زمان روی آوری به "سیاست توسعه" در زمان شاه و دوران "سازندگی" بعد از جنگ در فرهنگ ما به وجود آمده و دامنه آن از مطرح کردن خود در گفتار، نوع لباس، منزل و شغل شروع می‌شود و به بیش‌تر خواهی، جاه‌طلبی، مقام‌پرستی و برتری‌جویی می‌رسد. این جریان جا پای خود را نیز در نمای ساختمان باز کرده است و با توجه به ارزش شدن آن در جامعه، بسیاری از فروشندگان و خریداران برای آن حاضر به پرداخت هزینه‌های کلان هستند. "به طوری که بخشی از قشر مرفه در شمال تهران حاضر هستند برای خرید بنایی که نمای رومی دارد هزینه بسیار بیشتری پرداخت کنند. این قشر با توجه به این که سرمایه در اختیار دارد می‌تواند سازندگان و معماران را به دنبال خود بکشد." (خاتمی، ۱۳۹۸). علاوه بر ارضای حس برتری جویی و تفاخر، عوامل بیرونی دیگری از جمله زیبایی بصری، راحتی اجرا به دلیل داشتن

کدهای طراحی - و در مقابل نداشتن کد طراحی برای معماری ایرانی - نبود قوانین زیست محیطی، و دسترسی ارزان به منابع سنگ نیز در ترویج نماهای رومی موثر بوده است.



تصاویر ۴: نمای رومی در دوره جمهوری اسلامی

خودنمایی در این دوره فقط در نمای رومی بروز ندارد. بلکه به اشکال مختلف در نماهای این دوره ظهور پیدا کرده است. بسیاری از معماران به شدت به دنبال نشان دادن کارهای متفاوت از خود هستند و کوچک‌ترین نظری به زمینه ندارند. فهم درونی از تعادل در جامعه امروزین کم‌رنگ شده است، نه درون متعادل داریم و نه محصول متعادل تولید می‌کنیم. فهم ما در چرخه‌ای قرار نگرفته که رشد پیدا کند، بلکه صرفاً دور خود می‌چرخد، بی‌آن که کمال مطلوبی برای خود متصور باشد. وقتی نمای خانه‌ها هم‌چون یک کارخانه، یکنواخت و بی‌روح می‌شود و این امر با روح تنوع طلب انسانی هماهنگ نیست و نیز به آن چیزی که می‌تواند دلیلی حقیقی برای شکل گرفتن تفاوت‌ها باشد، جهل وجود دارد، راهکار در کج و کوله کردن شکل نماها تشخیص داده می‌شود. (ندیمی، هادی).



تصویر ۵: ملغمه‌ای از نماهای شهری در دوره جمهوری اسلامی

علاوه بر گفت‌آوردها و عوامل نام‌برده، زاویه نگاه حاکمین شهری به مسائل شهری در این دوره بر نماهای شهری نیز تاثیرگذار بوده است چرا که با تغییر مدیران، معماری و شهرسازی تغییر پیدا میکند و میزان این تغییر بسته به میزان دانش، دغدغه و علاقه مدیران به این حوزه دارد. در اوایل دوره انقلاب، برای رهبران اصلی، شهر مسئله نبود. در این دوران دگرگونی عمیقی در ساختار مدیریتی ایجاد شد. نهادها از جمله نهادهای شهری تغییر یافت. نماهای شهری نیز محصول همین وضعیت مدیریتی است که نبود مدیریت، برنامه و قانون مناسب، خود نیز به تولید عوامل حاشیه‌ای دیگر دامن زد. در این برهه، قانونی برای نما وجود نداشت. خانه ساخته می‌شد و چون پولی هم در اختیار مردم نبود، نمای ساختمان‌ها رها می‌شد. در واقع معماری با توجه به اولویت جنگ و سایر مشکلات و توجه به نیازهای اولیه در کشور، مورد توجه نبود. بعد از جنگ وضعیت اقتصادی به تدریج بهتر شد و بر نماهای شهری تأثیر گذاشت.

طی دوره ۴۰ ساله پس از انقلاب ۱۴ شهردار و هشتت سرپرست بر تهران مدیریت کردند. درحالی که طول مدت مدیریت برخی کمتر از یک سال بود، بیشترین دوران به محمدباقر قالیباف از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ برمی‌گردد. با اندکی تامل بر دوره‌های مختلف مدیریت شهری تهران می‌توان دریافت که بیشترین میزان تاثیرگذاری بر نماهای شهری مربوط به دوره‌های کرباسچی، احمدی‌نژاد و قالیباف است. "با روی کار آمدن غلامحسین کرباسچی به عنوان شهردار تهران در سال‌های ۷۷-۱۳۶۸ و با آغاز برنامه توسعه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی به اجرای ابزارهای خصوصی‌سازی در کشور تمایل پیدا کرد؛ شهرداری تهران از اولین دستگاه‌هایی بود که با پیروی از این سیاست از طریق فروش تراکم‌مازاد ساختمانی، دریافت عوارض و تغییر کاربری درآمدزا شد. نماهای شهری در این برهه به شدت دگرگون شد به گونه‌ای که با ساخت ساختمان‌های

چند طبقه درون بافت‌های کم تراکم خط آسمان به طور کلی منقطع شد و پیوستگی خود را از دست داد." (آتش‌بین بار، محمد، ۱۳۹۲).

در دوره احمدی نژاد در سمت شهردار تهران، مصوبه برج باغها با نیت حفظ و صیانت از باغات از سوی شورای شهر دوره دوم تهران در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید. به موجب آن متولیان ساخت و ساز می‌توانستند صرفاً در ۳۰ درصد از مساحت باغ، با رعایت ضوابط و مقررات بلندمرتبه‌سازی، ساخت‌وساز انجام دهند و ۷۰ درصد باقی مانده باغ را حفظ کنند. این قانون در عمل بر ضد هدف اولیه خود حرکت کرد و از زمان تصویب قانون برج باغها بسیاری از باغات شمال تهران از بین رفت و ناهماهنگی حجم و ارتفاع ساختمان‌ها باعث شد که هماهنگی نماهای شهری تضعیف گردد و برخی حقوق عمومی مانند حق دسترسی به نور خورشید برای برخی مجاورین برج باغها ضایع شود که سرانجام بعد از ۱۴ سال این مصوبه لغو شد.

در زمان قالیباف خصوصاً از سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳، بحث نما به صورت جدی مطرح شد، چرا که در این دوره، سازمان زیباسازی تهران با تشکیل تیمی از اساتید بنام، پروژه‌هایی تعریف کردند که بر بحث‌های منظر شهری تأثیرگذار بودند. هم‌چنین طرح جامع ۱۳۸۶ تهران تدوین گشت که مباحثی چون هویت، نما و منظر شهری در آن تا حدی مورد توجه قرار گرفته بود و در واقع این دوره، یک جریان تاثیرگذار بر نما بوده است که منجر به شکل‌گیری کمیته نما در دو منطقه یک و ۲۲ تهران شد و بعدها با مصوبه شورای عالی شهرسازی، کلیه شهرها ملزم به تشکیل کمیته نما شدند. با این وجود در این دوره نیز سیاست تراکم‌فروشی ادامه پیدا کرد و بر آن دامن زده شد.

یکی از نتایج عملکرد مدیران، تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به نماهای شهری است. در این دوره مصوبه شورای عالی شهرسازی با موضوع ارتقاء سیما و منظر شهری در سال

۱۳۸۷ به تصویب رسید. بر اساس این مصوبه تا سقف ۱۵ درصد مساحت زیربنای هر یک از واحدهای مسکونی به فضاهای نیمه باز و پیش ورودی اختصاص خواهد داشت و این بخش جزو زیربنا محسوب نمی‌شود. با توجه به سرمایه‌ای بودن مسکن و ارزش اقتصادی بالای زمین و ملک، اغلب مردم حاضر نیستند حتی یک متر از خانه خود را به فضای نیمه باز یا مشاعات اختصاص دهند.



تصاویر ۶؛ قوانین؛ تراکم‌فروشی، مسکن مهر و برج باغ به ترتیب از بالا به پایین، (منبع: <https://images.app.goo.gl/1tfGin4tm89sHizc7>)

هم‌چنین با رواج ضابطه ۴۰-۶۰ در این دوره، کیفیت حیات خانه کاهش یافت و به فرهنگ‌ها و اقلیم‌های مختلف بی-توجهی شد و عدم توجه به زمینه به عنوان عاملی کلیدی در آشفته‌گی نماهای این دوره پدیدار گشت. وقتی ساختمان‌ها بی-توجه به خیابان و کوچه ساخته می‌شوند، ساختار شهر دچار بی

نظمی خواهد شد. به گونه‌ای که توده در یک سمت خیابان و فضا در سمت دیگر، باعث عدم تعادل بصری در مخاطب می-گردد. نما به سطوح جانبی و اصلی تقسیم و تنها سطح روبرو نماسازی و سطوح جانبی به مانند سطحی بی-پنجره، سرد، بی-روح و عاری از زندگی رها می‌شوند و ممکن است سال‌ها و دهه‌ها ساختمانی به همان ارتفاع در کنار آن‌ها ساخته نشود و تعریف نادرست نماهای جانبی باعث می‌شود که ساختار شهر به زیبایی شکل نگیرد.

در مجموع عدم تعریف درست هویت، رویکردهای متفاوت و متنوع مدیران، برخی قوانین و ضوابط غیر کارشناسانه، عدم توجه به زمینه، سودجویی سازندگان، تولید انبوه معماران غالباً بدون دانش کافی در دو-سه دهه اخیر، موجب آشفته‌گی نماهای امروزی شهرهای ایرانی شده است.

۴- تحلیل و مقایسه دوره‌های مختلف نما

پس از بررسی سیر تحول نما در دوره‌های مختلف در گفت-آورد بالا مشخص شد که سه گروه مدیران، معماران و سرمایه‌گذاران هر کدام با نسبتی در هر دوره در فرم‌دهی به نماهای شهری تأثیرگذار بوده‌اند. از طرفی شرایط خاص حاکم بر جامعه از قبیل شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فنی در هر دوره و از طرفی دیگر شرایط جهانی و سیاست‌های آن‌ها در قبال ایران، به عنوان عوامل زیرلایه اثرگذار بر نما در سده اخیر موثر بوده‌اند. هم‌چنین با دسته‌بندی معیارهای چون سنت، تجدد، وحدت، تعادل، تناسب، تقارن، تزئینات، خودنمایی و غیره، سه مولفه اصلی نماهای شهری شناسایی شد و مدل مفهومی نیروهای اثرگذار بر نماهای شهری در سده اخیر تبیین شد. در این مدل، سه مولفه اصلی هویت، اخلاق و زیبایی‌شناسی و دو عامل اقتضائات زمان-مکان و گروه‌های ذی‌نفع، نیروهای اثرگذار بر نماهای شهری هستند. بر این اساس به تحلیل و مقایسه دوره‌ها پرداخته و با وزن-دهی به هر یک، مدل مفهومی هر یک از آن‌ها ترسیم و سرانجام نتایج آن با نظرات مردم تطبیق داده شد.

۱-۴- اقتضائات زمان و مکان

شرایط فنی و تکنولوژیکی: در دوره قاجار با توجه به محدودیت‌های تکنولوژی ساخت معماری، تنوع کم مصالح نسبت به دوره‌های دیگر و استفاده فراگیر از آجر قزاقی، نماها از هماهنگی نسبی برخوردار بودند. در دوره پهلوی، مصالح جدید کم‌کم وارد شد. سازه‌های فلزی رواج یافت و نماها به دلیل تغییر نوع سازه و دیوارهای غیرباربر شفاف‌تر گشت. گوناگونی نماها زیادتر شد. به گونه‌ای که علاوه بر آجر در نماها از مصالح سیمانی و سنگ نیز استفاده شد. اما چون از اصولی تبعیت می‌شد، نماها دارای انسجام نسبی بودند. در دوره جمهوری اسلامی افزایش تنوع مصالح از قبیل انواع سنگ‌ها، چوب، شیشه، آجر، آلومینیوم و غیره از طرفی و مدرگرایی جامعه و استقبال از هر عنصر نوینی باعث شد تا نما به نوعی تبدیل به ویتترین نمایش مصالح جدید شود و مصالحی که سختی باهم ندارند در نما استفاده کردند و به آشفته‌گی بیشتر نماهای شهری دامن زده شود.

شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی: در یک نگاه کلی در سده اخیر به گفته رفیع‌پور (۱۳۹۴) مدل اجتماعی-اقتصادی کشور مبتنی بر سیاست توسعه نهاد شده. به گونه‌ای که این روند از تجدد ناصرالدین‌شاهی شروع می‌شود و در دوره پهلوی به اوج خود می‌رسد. بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، سیاست توسعه از نو تحت عنوان دوره سازندگی از سر گرفته می‌شود. براساس این مدل هدف جامعه، دستیابی به عوامل ظاهری توسعه می‌شود. در دوره قاجار گرچه غرب‌گرایی در حاکمین آغاز شده بود اما در توده جامعه هنوز غلبه نکرده بود.

در دوره پهلوی، جامعه شهری روزی یافته از چرخش کالا و سرمایه و روابط سوداگرانه ناشی از آن، استحاله‌ی خویش را از یک جامعه تولیدی به یک جامعه خدماتی و سپس مصرفی آغاز کرد. به دلیل فروپاشی سازمانی تولیدی کشور با انقطاع صوری سه جامعه ایلی، روستایی و شهری و هجوم سرمایه و کالای خارجی از سوئی و ورود سرمایه نفتی به عنوان ممر

اصلی درآمد دولت از دیگر سوی، دولت نقش روزی بخش پیدا کرد. حکومت پهلوی تبعیت از نگاه غرب را در کالبد شهر ترویج کرد. شهری که نمادی از انقطاع عصر جدید با سنت‌ها بود. نمادی از پیشرفت و توسعه (زرکش، افسانه، ۱۳۸۸) و نتیجه آن حاکمیت اصول معماری مدرن بر نماهای شهری است.

در اوایل دوره جمهوری اسلامی (۵۷-۸۵) به دلیل وقایع تاریخی انقلاب و جنگ تحمیلی و کاهش نسبی درآمد و عایدات ملی و از طرف دیگر افزایش جمعیت، درآمد آحاد جامعه متاثر گردید و به دنبال آن بر کیفیت معماری و نماهای شهری تاثیر گذاشت. به ویژه که در گروه‌های اجتماعی کم درآمد فاصله با الگوهای متعارف مسکن بیشتر شد (زرکش، افسانه، ۱۳۸۸). در مرحله بعد، با شروع دوران سازندگی (سیاست توسعه) کمیت بر کیفیت سیطره یافت. "هم‌چنین بین افراد جامعه برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای رقابت در می‌گیرد، که طی آن افراد تنها به دستیابی به اهداف شخصی خود می‌اندیشند. در نتیجه در جامعه روحیه فردگرایی حاکم می‌شود. هر کس تلاش می‌کند، به هدف و منافع شخصی خودش برسد" (رفیع‌پور، ۱۳۹۴، ص ۸۳۴). در این میان نماهای شهری بی‌نصیب نخواهند ماند و هر کس که در این رقابت توسعه‌ای به مراتب بالاتر می‌رسد، سعی می‌کند آن را به نوعی نمایش دهد؛ معماران با طراحی نماهای خاص و مردم با تغییر مسکن خود از جنوب به شمال شهرها و برطمطراق کردن نمای مساکن خود.

شرایط جهانی: به طور کلی از دوره قاجار با شروع سفرهای حاکمین، فرهنگ غربی تأثیرات خود را در کشور آغاز کرد. این روند در دوره پهلوی شدت گرفت تا جایی که به معنی نفی فرهنگ سنتی خود شد. در اوایل دوره جمهوری اسلامی با توجه به ارزش‌های حاکم بر آن زمان، این تأثیرات فرهنگی به شدت کاهش یافت. اما بعد از آن برهه با انقلاب رسانه‌ای و ایجاد اصطلاح "دهکده جهانی" و به وجود آمدن رسانه‌های اجتماعی اما در عین حال آشنایی سطحی

بخشی از مردم با فرهنگ کشورهای غربی، تاثیرات غرب بر فرهنگ بومی به شدت بیشتر شد. دامنه این تاثیرات شتون مختلف جامعه ایرانی را از جمله معماری و نماهای شهری را در برمی گرفت. نمونه بارز این پیروی سطحی، تقلید شکلی برخی از معماران از نماهای شاخص غربی و رواج نماهای رومی در سطح کشور است.

۲-۴- گروه‌های ذی نفع

حاکمین شهری: رویکرد حاکمین شهری در هر عصری بر جهت‌دهی به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن جامعه تاثیرگذار خواهد بود و به تبع بروز آن‌ها در نماهای شهری تاثیر خواهد گذاشت. برخی مانند ناصرالدین شاه به دنبال عناصر ظاهری غرب بودند که تاثیراتی بر نما گذاشت ولی بر عناصر بومی غالب نگشت. اما در دوره پهلوی رویکرد غالب رهبران جامعه راه‌حل را در تا حد زیادی در غرب می‌جویند و آن را از تجدید طلب می‌کنند. در این دوره نگاه متأثر از غرب در نماهای شهری بر سنت معماری بومی غلبه کرد. در دوره جمهوری اسلامی جامعه با رنگارنگی از مدیران با عقاید گوناگون روبرو می‌شود که هر کس از ظن خود راه‌حلی را می‌دهد و با آراء جزیره‌ای روبه‌رو می‌شویم. در واقع در این دوره مدیریت بر روی مدار قرار نگرفته است که هر کس سنگ خود را به سینه نزد و با تغییر مدیران نگرش به معماری و شهرسازی عوض نشود. گرچه در این دوره کثرت‌گرایی در نظر جایگاهی در میان حاکمین نداشت اما در عمل در نماهای شهری تکثر شیوه‌ها و مدها به اوج خود رسید.

معماران: در دوره قاجار با توجه به جامعه سنتی آن زمان، خاطره قومی هنوز منشا اثر بود. "هنرمندان آسیایی، قرن‌ها همان نقش‌ها و الگوهایی را که با تجربه درونی‌شان غنی شده است، تکرار می‌کنند. منظور هنرمند چندان ابداع فردی و خودنمایی نیست که وفاداری به خاطره و احیای گنجینه‌های آن. به همین دلیل پرده گمنامی نام‌آفریننده بیشتر آثار هنری آسیا را پوشانده و به آن‌ها نوعی هاله‌آفرینندگی جمعی داده

است" (شایگان، ۱۳۷۸ ب). لذا خواه‌ناخواه محصول آن‌ها هویت‌مند خواهد بود. اما در دوره پهلوی با ایجاد دانش‌کده‌های معماری و آموزش مبتنی بر نظام غرب و بی‌توجهی به تاریخ، فرهنگ و فنون معماری بومی باعث شد تا نماهای این دوره عاری از هرگونه عنصر هویتی شود. در اوایل دوره جمهوری اسلامی معماری و معماران چندان مورد توجه مدیران نبودند اما با گذشت حدود دو دهه و در پی تولید انبوه فارغ‌التحصیلان معماری بعضاً کم‌دانش و دارای ولع ارتقا، در رقابتی سخت میان معماران، نماهای شهری به ابزار نمایش خودنمایی آن‌ها تبدیل می‌شود.

سرمایه‌گذاران: در دوره قاجار، پهلوی و حتی تا اوایل انقلاب، نگاهی مصرفی نسبت به مسکن وجود داشت. اما با تغییر وضعیت کشور بعد از جنگ از طرفی و وابستگی به درآمد نفتی از طرف دیگر، مسکن به عنوان کالای سرمایه‌ای مطرح شد. سرمایه‌گذاران سرمایه خود را وارد بازار مسکن کردند که بسته به درک خود از معماری نما، می‌توانند جریان‌سازی کنند و به علاقه و سلیقه مردم جهت دهند. لذا در این دوره می‌توان از ظهور گروه سرمایه‌گذاران علاوه بر حاکمین، معماران و مردم در تحول نماهای شهری نام برد. اما "برای ثروتمندان تازه به دوران رسیده این جوامع، پول یگانه هدف است. ولی از آن‌جا که این طبقه نه از سنت بورژوازی غرب برخوردار است و نه به آرمان‌های پیشین ملت خود وفادار، پول موجب بروز انواع رفتارهای ناهنجار، به‌ویژه بی‌ذوقی و کج سلیقه‌ی می‌شود. آثار آن را در حرکات نسجیده، در زرق و برق مبتذل تزئینات خانه، در معماری بی‌قواره، در آشفته‌گی مهمانی‌ها، در حرف‌های بی‌مایه می‌بینیم (شایگان، ۱۳۷۸ الف).

۳-۴- مولفه‌های اصلی نماهای شهری

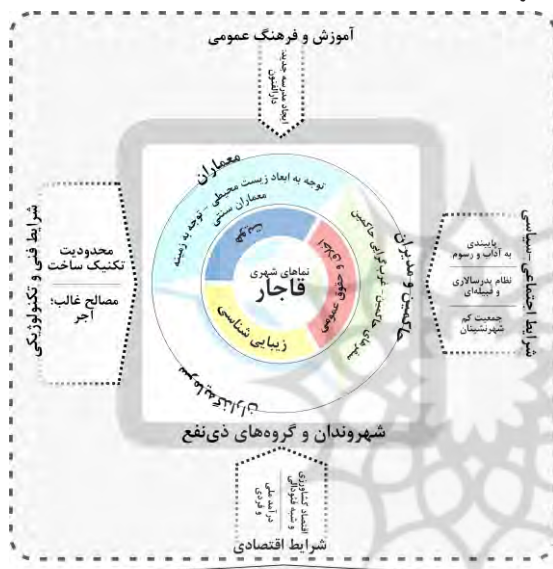
هویت نماهای شهری: به گفته پاکزاد هویت شامل دو وجه بازشناسی و تشخص است. بازشناسی به معنی برخورداری نماهای شهری مورد نظر از یک عنصر مشترک و تشخص به معنی وجه تمایز نمای شهری مذکور از نماهای

شهری دیگر است. لذا در نوشتار حاضر منظور از مقایسه عنصر هویت در دوره‌های نام‌برده، میزان پایداری به تجربیات معماری و شهرسازی تهران است که معماری آن را از شهرهای دیگر متمایز می‌کند و موجبات حس این همانی را فراهم می‌آورد. طبق این تعریف، در دوره قاجار هنوز در نماها رنگ تعلق وجود دارد و از عناصر بومی به عنوان عنصر شخصیته‌ده در نما استفاده می‌شد، در عین این که گوشه نظری بر غرب بود. اما در دوره پهلوی تمام نگاه‌ها به غرب دوخته می‌شود و تاریخ سرزمینی که بستر تجربیات مذکور است به طور کلی کنار گذاشته می‌شود و عناصر و جزئیات بومی در نما حذف می‌شود. در دوره جمهوری اسلامی عده- اینگاه را به اصطلاح به بیرون و عده‌ای به اصطلاح به درون می‌دوزند، کسانی در سنت و دیگرانی در تجدد. برزخی شکل می‌گیرد که نتیجه آن، جز سردرگمی و آشفتگی نماها نیست. هر کس ساز خود را می‌زند و طرح خود را صالح می‌داند.

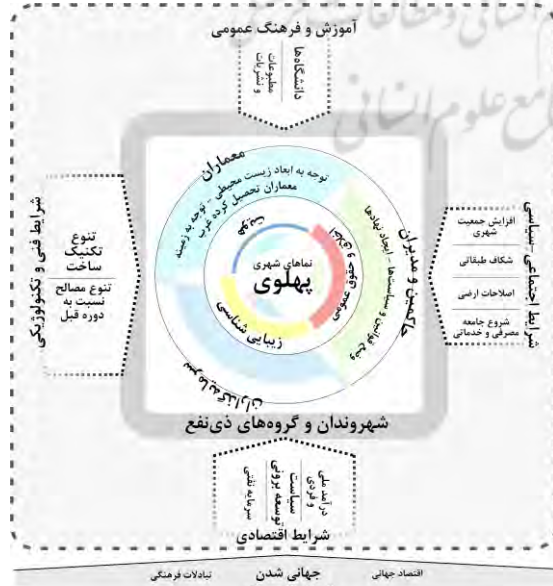
زیبایی‌شناسی و نماهای شهری: در دوره قاجار اصولی چون ریتم، سلسله مراتب، تناسبات انسانی، تقارن و به طور کلی وحدت بر نما حاکم بود. در دوره پهلوی، علی‌الخصوص در اوایل آن ترکیب بندی حجمی متعادل در نماها وجود داشت، اما به واسطه غلبه معماری مدرن، ظرافت‌ها و جزئیات هنرمندانه در نما تا حد زیادی از بین می‌رود. در اوایل دوره جمهوری اسلامی به دلیل غلبه اولویت‌های دیگر هم- چون مسائل اقتصادی، به ناسازی توجهی نمی‌شد، اما به تدریج با تغییر شرایط جامعه، نما مورد توجه قرار گرفت، گرچه تابع ضوابط و معیارهای مشخصی نبود. در دهه اخیر به واسطه رواج نمای رومی اصولی چون تقارن و ریتم در بنا بار دیگر حاکم و تزیینات پرکار دیده می‌شود. حال در کنار این نمای پرطمطراق، نماهای جانبی رها می‌شود و آن را صرفاً با سیمان می‌پوشانند. نما به مانند برجسیبی بر ساختمان می‌ماند که نه با درون خود هماهنگی دارد و نه به زمینه خود توجهی می‌کند.

اخلاق در نماهای شهری: با توجه به تاثیرات فرهنگی که از زمان قاجار شروع شده و در دوره جمهوری اسلامی

شدت می‌یابد، بروز اشرفی‌گری، مصرف‌گرایی، فردگرایی و خودنمایی رواج می‌یابد و کم‌کم به بخششی از رفتار مردم معاصر ایران تبدیل می‌شود. در یک نگاه کلی در این سده هرچه به حال نزدیک‌تر می‌شویم، بر شدت این رفتارها افزون می‌شود تا جایی که دامنه معماری را هم شامل می‌شود و با رواج نمای رومی به اوج خود می‌رسد. نما وسیله‌ای برای بروز شأن اجتماعی می‌شود و برخی با صرف هزینه‌های بسیار زیاد بر پرطمطراق کردن درب‌ها و نمای خانه خود مسابقه می- گذارند.



شکل ۱: مدل مفهومی نیروهای اثرگذار بر نماهای شهری دوره قاجار



شکل ۲: مدل مفهومی نیروهای اثرگذار بر نماهای شهری دوره پهلوی



تصاویر ۷ مناسبترین نماها از دیدگاه مردم به ترتیب از راست به چپ

از طرفی نماهای ساده و بدون جزئیات که صرفاً مانند صفحه‌ای منهای پنجره هستند و مصالحی چون سنگ، کامپوزیت و سیمان در آن‌ها به کار رفته است و در دوره پهلوی و هم‌چنین اوایل دوره جمهوری اسلامی متداول بودند، مورد پسند مردم نیستند و کم‌ترین میزان زیبایی بصری را دارند و و از نظر آنان بی‌هویت‌ترین نماها هستند (تصاویر ۱۴، ۱۰، ۹ و ۳). نامناسب‌ترین نماها مربوط به تصاویر ۵، ۱۴ و ۱۰ است که دو مورد آن مربوط به دوره پهلوی است و اصول معماری مدرن چون طراحی حجمی، پنجره‌های افقی بر آن‌ها

حاکم است و مصالح غالب آن‌ها سیمان است. این موضوع تفاوت دیدگاه بین متخصصین و مخاطبین را نشان می‌دهد که گرچه معماری مدرن برای معماران ارزشمند است اما برای توده مردم جذابیتی ندارد. هم‌چنین علی‌رغم گرایش برخی معماران به طراحی نماهای شکل‌گرا و گرافیکی که اخیراً در دوره جمهوری اسلامی متداول گشته است (تصاویر ۱ و ۱۲)، مردم این‌گونه نماها را بعد از نماهای رومی دارای بیشترین میزان خودنمایی می‌دانند.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۹

Urban management
No.58 Spring 2020

۱۰۵

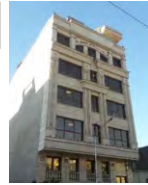
دوره	شماره	تصاویر	سوال	امتیاز -۲	امتیاز -۱	امتیاز ۰	امتیاز ۱	امتیاز ۲	امتیاز
دوره قاجار	۴		مناسب بودن کلی	۲۶	۴۲	۷۴	۸۲	۹۷	۱۸۲
			هویت‌مندی	۲۳	۳۲	۶۶	۹۱	۱۰۸	۲۲۹
			زیبایی بصری	۱۳	۲۰	۵۱	۱۰۰	۱۳۷	۳۲۸
			خودنمایی بیشتر	۷۴	۶۳	۸۲	۵۱	۵۰	-۶۰
	۵		مناسب بودن کلی	۱۵۳	۷۰	۴۰	۴۲	۱۶	-۲۰۲
			هویت‌مندی	۱۳۲	۶۵	۵۲	۴۵	۲۷	-۲۳۰
			زیبایی بصری	۱۶۲	۶۰	۳۹	۳۶	۲۴	-۳۰۰
			خودنمایی بیشتر	۱۵۷	۶۰	۶۰	۲۹	۱۴	-۳۱۷
	۷		مناسب بودن کلی	۳۷	۴۳	۶۱	۱۰۲	۷۸	۱۴۱
			هویت‌مندی	۳۶	۴۵	۸۳	۱۰۲	۵۵	۹۵
			زیبایی بصری	۲۶	۴۲	۶۱	۱۰۳	۸۹	۱۸۷
			خودنمایی بیشتر	۵۱	۷۷	۸۷	۷۱	۳۳	-۴۲
دوره پهلوی	۱۴		مناسب بودن کلی	۱۷۹	۷۶	۴۶	۱۰	۵	-۴۱۴
			هویت‌مندی	۱۵۹	۸۰	۵۰	۲۲	۵	-۳۶۶
			زیبایی بصری	۲۱۸	۶۲	۲۳	۱۲	۱	-۴۸۴
			خودنمایی بیشتر	۲۰۶	۶۶	۲۷	۱۲	۳	-۴۶۰

دوره بهاری

دوره جمهوری اسلامی

دوره جمهوری اسلامی

۱۵۷	۶۳	۱۰۸	۸۴	۴۵	۱۶	مناسب بودن کلی		۱۵
۱۵۶	۶۴	۹۸	۹۹	۴۰	۱۵	هویت‌مندی		
۱۵۱	۶۱	۹۹	۱۰۱	۴۰	۱۵	زیبایی بصری		
-۸۳	۲۳	۵۹	۱۰۱	۷۸	۵۵	خودنمایی بیشتر		
-۸۸	۱۶	۶۹	۹۱	۹۱	۴۹	مناسب بودن کلی		۱۲
-۱۱۱	۱۱	۶۴	۹۸	۹۱	۵۳	هویت‌مندی		
-۱۶۰	۱۲	۴۹	۹۳	۹۳	۷۰	زیبایی بصری		
-۱۷۱	۱۳	۳۷	۱۰۳	۹۴	۷۰	خودنمایی بیشتر		
-۳۰۵	۱۲	۲۲	۵۹	۹۹	۱۲۶	مناسب بودن کلی		۱۰
-۲۸۲	۱۰	۲۴	۷۶	۹۰	۱۱۸	هویت‌مندی		
-۴۰۶	۷	۱۲	۴۱	۸۴	۱۷۴	زیبایی بصری		
-۳۸۶	۷	۲۱	۴۲	۷۵	۱۷۳	خودنمایی بیشتر		
-۱۶۲	۱۵	۵۹	۸۴	۶۹	۹۱	مناسب بودن کلی		۹
-۱۸۳	۱۶	۵۰	۸۴	۷۱	۹۷	هویت‌مندی		
-۲۳۷	۱۴	۳۵	۸۱	۷۶	۱۱۲	زیبایی بصری		
-۱۴۰	۲۱	۵۱	۸۹	۸۳	۷۵	خودنمایی بیشتر		
-۱۸۳	۱۹	۴۷	۷۹	۷۸	۹۵	مناسب بودن کلی		۳
-۲۱۱	۱۴	۴۲	۷۹	۸۵	۹۸	هویت‌مندی		
-۲۷۳	۱۳	۳۰	۶۶	۸۵	۱۲۲	زیبایی بصری		
-۱۰۴	۳۴	۵۴	۸۳	۶۸	۷۹	خودنمایی بیشتر		
-۱۱۱	۱۸	۶۲	۹۲	۸۹	۶۰	مناسب بودن کلی		۶
-۱۴۵	۱۴	۵۳	۹۳	۹۶	۶۵	هویت‌مندی		
-۱۷۳	۱۶	۵۱	۸۸	۷۶	۹۰	زیبایی بصری		
-۱۶۵	۱۶	۴۱	۹۸	۹۴	۷۲	خودنمایی بیشتر		
-۷۰	۱۷	۷۲	۱۱۰	۶۴	۵۶	مناسب بودن کلی		۱
-۱۲۴	۱۲	۷۴	۸۵	۷۶	۷۳	هویت‌مندی		
-۹۶	۲۳	۶۲	۹۶	۷۴	۶۵	زیبایی بصری		
-۸۱	۵۲	۸۴	۱۰۱	۵۹	۲۴	خودنمایی بیشتر		
۱۳۰	۶۱	۱۰۲	۸۵	۴۲	۲۶	مناسب بودن کلی		۱۲
۵۱	۳۴	۹۷	۹۸	۶۰	۲۷	هویت‌مندی		
۱۸۹	۷۴	۱۱۳	۸۰	۲۴	۲۴	زیبایی بصری		
۳۰۷	۱۱۹	۱۰۷	۵۹	۲۲	۸	خودنمایی بیشتر		
۲۰۲	۸۷	۹۱	۸۸	۳۷	۱۳	مناسب بودن کلی		۱۱
۲۲۵	۹۶	۸۹	۸۴	۳۴	۱۱	هویت‌مندی		
۳۵۲	۹۵	۱۰۴	۸۱	۲۸	۷	زیبایی بصری		
-۲۳	۳۷	۵۶	۱۰۱	۷۹	۴۲	خودنمایی بیشتر		



مناسب بودن کلی	۶۲	۶۹	۹۵	۷۹	۱۵	-۸۴
هویت‌مندی	۷۷	۷۷	۹۵	۵۹	۱۲	-۱۴۸
زیبایی بصری	۶۷	۶۳	۱۰۳	۷۲	۱۵	-۹۵
خودنمایی بیشتر	۴۸	۶۷	۹۸	۶۹	۳۸	-۸۸
مناسب بودن کلی	۷۷	۳۸	۵۴	۸۴	۶۵	۲۲
هویت‌مندی	۸۵	۵۳	۶۳	۶۰	۵۷	۴۹
زیبایی بصری	۴۱	۳۷	۶۶	۸۱	۹۴	۱۵۰
خودنمایی بیشتر	۱۴	۷	۱۶	۵۷	۲۲۵	۴۷۲

جدول ۲: نتایج پرسش‌نامه

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با تحلیل سیر تحول نماهای شهری در سده اخیر شامل سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی، عوامل کالبدی و عوامل زیرلایه اثرگذار بر نماهای شهر تهران در هر دوره شناسایی شد. طبق یافته‌های پژوهش، در دوره قاجار با توجه به غلبه فرهنگ محلی بر فرهنگ جهانی در نماها، عناصر بومی و اصول حاکم بر معماری گذشته هم‌چنان مشاهده می‌شود. انتقال نسل به نسل دانش و هنر معماری، محدودیت نسبی تکنولوژی ساخت و مصالح موجب هماهنگی نماها در این دوره می‌شود. در دوره پهلوی فرهنگ جهانی بر فرهنگ محلی مسلط شد و با ورود مصالح جدید و تکنیک‌های نوین ساخت، نماها متحول شد؛ به گونه‌ای که عناصر بومی از نماها حذف می‌شود. در دوره جمهوری اسلامی فرهنگ جهانی و بومی به تقابل با یکدیگر می‌پردازند. درک روشنی از هویت برای حاکمان، معماران و هم‌چنین مردم وجود ندارد. معماران به شدت به دنبال نشان دادن کارهای متفاوت از خود هستند. با تغییر مدیران، معماری و شهرسازی تغییر پیدا می‌کند. لذا تعدد الگوهای نما بیشتر و وضعیت نماها باری به هر جهت می‌شود. با شناسایی عوامل نام‌برده مدل نیروهای اثرگذار بر نماها در هر دوره تدوین گشت و با نظرات مردم تطبیق داده شد. در مجموع نمایی مطلوب است که هر سه مولفه هویت، زیبایی‌شناسی و اخلاق را باهم داشته باشد. براساس دستاوردهای پژوهش و مقایسه

تحلیلی سه دوره مذکور، نماهای دوره قاجار هر سه مولفه را داراست. نماهای دوره پهلوی در بهترین حالت دو مولفه زیبایی‌شناسی و اخلاق عمومی را تا حدی از دست داده و تا حدی حفظ کرده است ولی هویت ندارد. اما هر سه مولفه در نماهای شهری دوره جمهوری اسلامی تا حد زیادی کم‌رنگ شده است.

با توجه به عوامل نام‌برده و تحلیل متغیرهای زمینه‌ای، عاملیت انسانی و نشانگرهای نماهای شهری در سده اخیر و استخراج مهم‌ترین عوامل موثر بر آن و هم‌چنین با توجه به مصاحبه با برخی صاحب‌نظران این حوزه، راه‌حل‌های بهبود نماهای شهری را می‌توان در چهار بخش خلاصه کرد:

اولین بخش، اصلاح نظام آموزشی معماری و شهرسازی است؛ یکی از مشکلات اصلی نظام آموزش ما بی‌توجهی به زمینه است، به طوری که تعریف بسیاری از معماران از معماری، طراحی بنای شاخص است. برای حل این مسأله علاوه بر آموزش‌های لازم بهتر است خلاقیت معماران به سمت تکنیک‌های هماهنگی با بناهای هم‌جوار و هم‌چنین طراحی جزییات اجرایی درست سوق یابد. علاوه بر آن بایستی سرفصل‌های درسی چون مسکن، مباحث پایداری و محیط زیست، و موضوعات فرهنگی و هویتی شهرهای ایرانی و انعکاس آن‌ها در نماهای شهری در برنامه درسی رشته‌های معماری و شهرسازی گنجانده شود. هم‌چنین

تحلیلی سه دوره مذکور، نماهای دوره قاجار هر سه مولفه را داراست. نماهای دوره پهلوی در بهترین حالت دو مولفه زیبایی‌شناسی و اخلاق عمومی را تا حدی از دست داده و تا حدی حفظ کرده است ولی هویت ندارد. اما هر سه مولفه در نماهای شهری دوره جمهوری اسلامی تا حد زیادی کم‌رنگ شده است.

با توجه به عوامل نام‌برده و تحلیل متغیرهای زمینه‌ای، عاملیت انسانی و نشانگرهای نماهای شهری در سده اخیر و استخراج مهم‌ترین عوامل موثر بر آن و هم‌چنین با توجه به مصاحبه با برخی صاحب‌نظران این حوزه، راه‌حل‌های بهبود نماهای شهری را می‌توان در چهار بخش خلاصه کرد:

اولین بخش، اصلاح نظام آموزشی معماری و شهرسازی است؛ یکی از مشکلات اصلی نظام آموزش ما بی‌توجهی به زمینه است، به طوری که تعریف بسیاری از معماران از معماری، طراحی بنای شاخص است. برای حل این مسأله علاوه بر آموزش‌های لازم بهتر است خلاقیت معماران به سمت تکنیک‌های هماهنگی با بناهای هم‌جوار و هم‌چنین طراحی جزییات اجرایی درست سوق یابد. علاوه بر آن بایستی سرفصل‌های درسی چون مسکن، مباحث پایداری و محیط زیست، و موضوعات فرهنگی و هویتی شهرهای ایرانی و انعکاس آن‌ها در نماهای شهری در برنامه درسی رشته‌های معماری و شهرسازی گنجانده شود. هم‌چنین

اختصاص یکی از کارگاه‌های معماری و شهرسازی به طراحی نماهای شهری ضرورت دارد. از طرفی دانشگاه باید در جهت ایفای رسالت اجتماعی خود به آموزش اصول نماهای ایرانی به مشاورین، طراحان نما و پیمان کاران بپردازد. دومین بخش، بهبود مدیریت شهری است؛ با توجه به رویکرد متفاوت مدیران، ایجاد زیرساخت‌های لازم به گونه‌ای که با تغییر مدیران، خطی مشی درست طراحی تغییر نکند، امری ضروری است. در این راستا بایستی مکانیزم شفاف و منطقی در کنترل نماهای شهری و سیاست‌هایی برای تضمین اجرای نمای تصویب شده طراحی گردد. هم‌چنین سازمان نظام مهندسی باید با درجه‌بندی معمارانی که به کمیته‌های نما رجوع می‌کنند و پیمان کاران، زمینه را فراهم کند تا از این طریق کار بیشتر دست افراد دارای صلاحیت، با تجربه و هنرمند بیفتد و فرصت از آن‌ها توسط افراد بانفوذ گرفته نشود. هم‌چنین تلفیق کمیته‌های نما و معماری و به تبع ضرورت تایید و بررسی طرح پلان و نمای ساختمان باهم توسط نهادهای مسئول در کیفیت نماهای شهری تاثیرگذار است.

سومین بخش، اصلاح اسناد فرادست و قوانین است؛ یکی از مشکلات اساسی طرح‌های بالادست عدم توجه به زمینه در آن‌ها است که بخشی از آن به دلیل نبود دیدگاه طراحان شهری در فرایند تهیه این گونه طرح‌ها است. چرا که جایگاه و وظایف طراحی شهری در سطوح مدیریت شهری و تهیه اسناد شهری به درستی تعریف نشده است. از طرفی توجه به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و هم‌چنین مباحث اکولوژی، محیط زیست و پایداری در تدوین اسناد، ضوابط و قوانین نماهای شهری ضروری است. علاوه بر آن راهنماهای نماهای شهری باید به دور از کلی‌گویی، مصور، خوانا و هم‌چنین با توجه به گونه‌بندی خیابان‌ها در مقیاس‌های مختلف و در کنار دیگر عناصر منظر شهری به صورت یک کل واحد تدوین شوند. در این راستا ارجحیت دادن به حقوق عامه در تدوین ضوابط و قوانین اقدامی واجب است.

چهارمین بخش و از همه مهم‌تر، آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی است؛ نمای شهری امری تکنیکی نیست و دستیابی به نمونه مطلوب آن در گرو آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی سه مولفه اصلی نماهای شهری یعنی هویت، زیبایی‌شناسی و اخلاق عمومی است. سه مولفه نام‌برده را نمی‌توان با رویکردی از بالا به پایین و قانون و مصوبه تبیین کرد. نماهای شهری هویت‌مند نخواهند شد، تا زمانی که مردم خود هویت‌مند شوند و نمونه‌های هویت‌مند در بین ایشان ترویج گردد.

امر سلیقه و زیبایی‌شناسی از طریق آموزش می‌تواند بهبود یابد. در این زمینه می‌بایست طوری فرهنگ‌سازی شود که ملاک و معیارهای زیبایی را به آن‌ها آموخت تا خود براساس آن نمای خوب را از بد تشخیص دهند. در این راستا بایستی هویت‌مداری و اخلاق، خود ملاک زیبایی یک نما محسوب شود؛ بدین معنا که به طور طبیعی نمای شهری هویت‌مند و اخلاق مدار در نزد شهروندان زیبا نیز تلقی شود و آن‌ها به هر نمای بادآورده‌ای صرف این که از عنصری نو در آن استفاده شده آری نگویند.

رعایت اخلاق در نماهای شهری به معنی فهم این موضوع است که نما، حق عمومی است. رعایت حقوق دیگران در طراحی نماهای شهری بر خواسته‌های شخصی راجح است. به دور از واقعیت نیست اگر گفته شود مشکل اصلی نماهای شهری امروزی در ایران عدم پایبندی به این مفهوم است. این عدم پایبندی ما را در ریل ولع ارتقا و خودنمایی انداخته و اجازه می‌دهد تا خود را به هر شکلی به نمایش درآوریم و هم باعث ترویج نمایش شکاف طبقاتی شویم و هم در جهت تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گام برداریم. این موضوعات جز با آموزش عمومی از طریق ابزارهای مانند ساخت مستندهای تصویری، معرفی نماهای خوب به مردم در سطح شهر، برگزاری رویدادهایی در این زمینه ارتقاء نمی‌یابد و نیازمند برنامه‌ریزی از طرف مدیران شهر، رسانه‌ها، آموزش و پرورش و سایر نهادهای فرهنگی ذی‌ربط است. تا از این ره

این مهم به جزئی از فرهنگ آن‌ها تبدیل شده و بدین وسیله درونی و پایدار شود.

ابعاد	راه‌حل‌های بهبود نماهای شهری
اصلاح نظام آموزشی معماری و شهرسازی	<ul style="list-style-type: none">- ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا در زمینه پذیرش دانشجویان معماری- توجه به ابعاد زمینه‌ای در آموزش و پرورش معماران- اختصاص یکی از کارگاه‌های رشته معماری و طراحی شهری به طراحی نماهای شهری- ضرورت ایجاد سرفصلی با عنوان مسکن در برنامه درسی و پرداختن به نماهای مسکونی در قالب آن- ضرورت گنجانیدن موضوعات هویتی و فرهنگی شهرهای ایرانی در برنامه درسی- ایجاد سرفصل‌های درسی با موضوعات محیط زیست و پایداری در برنامه درسی و انعکاس آن در طراحی نماهای شهری- آموزش مشاورین و طراحان نما در دانشگاه‌ها به عنوان ایفای رسالت اجتماعی خود در این زمینه- آموزش ضوابط و اصول اجرای نماهای ایرانی به پیمان‌کاران
بهبود مدیریت شهری	<ul style="list-style-type: none">- ایجاد مکانیزم شفاف و منطقی در کنترل نماهای شهری- نظارت و تدوین سیاست‌هایی برای تضمین اجرای نمای تصویب شده توسط نهادهای قانونی- رتبه‌بندی معماران- طراحی نظامی درست در راستای تشویق و یا الزام کارفرمایان به سپردن کار به طراحان با صلاحیت- طراحی سیاست‌های تشویقی و تنبیهی متناسب رتبه‌بندی پیمان‌کاران سازنده نما- تلفیق کمیته نما و معماری در شهرداری- تقویت نهادهای صنفی- ضرورت تایید و بررسی طرح پلان و نمای ساختمان باهم- ضرورت تایید نمای ساختمان توسط همسایگان مجاور- ایجاد تناسب در دستمزد و کار حرفه‌ای- طراحی سیاست‌های تشویقی برای کاهش سنگ در نماهای مسکونی
اصلاح اسناد فرادست و قوانین	<ul style="list-style-type: none">- اصلاح و بازطراحی اسناد بالادست با تاکید بر زمینه‌گرایی- توجه به ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه در تدوین قوانین- توجه به مباحث اکولوژی، محیط زیست و پایداری در تدوین اسناد، ضوابط و قوانین- تدوین قوانین و ضوابط نماهای شهری و سایر عناصر منظر شهری به عنوان یک کل منسجم- تدوین راهنماهای نماهای شهری به صورت کاربری، جزئی و اجرایی، شفاف، خوانا و مصور- پررنگ شدن نقش طراحان شهری در تولید اسناد طراحی نماهای شهری- تولید راهنمای طراحی نماهای شهری به تفکیک شهرها، گونه‌بندی خیابان‌ها و در مقیاس‌های مختلف- ارجحیت دادن به حقوق عامه در تدوین قوانین و ضوابط نماهای شهری- اصلاح ضوابط ترکیب توده و فضا و تعادل فضایی با توجه به زمینه- اصلاح نماهای جانبی و تعریف درست آن‌ها
آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی	<ul style="list-style-type: none">- تبیین این موضوع که نما، حق عمومی است در جامعه از طریق رسانه‌ها- تبیین الگوی نمای هویت‌مند ایرانی از طریق کاربری آن در اماکن عمومی و رسانه‌ها- بهبود سطح سلیقه عمومی از طریق رسانه ملی و اجتماعی در زمینه معماری و شهرسازی و به ویژه نماهای شهری- ترویج غیراخلاقی شمردن نمایش شئون اجتماعی و اقتصادی خود به وسیله نماهای ساختمان

جدول ۳: راه‌حل‌های بهبود نماهای شهری

منابع

- (۱) آتشین بار، محمد. (۱۳۹۲). به سوی خیابان‌های انقلابی؟ مدیریت منظر خیابان‌های تهران در دوره ی انقلاب اسلامی. منظر، ۲۴(۰)، ۲۸-۳۱
- (۲) ابافت یگانه، منصور. (۱۳۸۷). ضرورت بازبینی یک مفهوم: بازخوانی هویت در کاربرد مصالح ساختمانی در نماهای شهری تهران. مدیریت شهری، ۱۹(۶)، ۲۹-۴۶.



فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۹

Urban management
No.58 Spring 2020

- ۳) اصل، علی عمرانی پور - مهدی افشار. (بی‌تا). تاملی بر اولین مقررات ساختمانی سده اخیر شهر تهران. آبادی (۴) بیگی، سمیه؛ پور جعفر محمدرضا؛ و ایمانی نائینی محسن. (۱۳۹۲ الف). بررسی تاثیر روحی و روانی بدنه های شهری بر شهروندان. مدیریت شهری، ۳۳(۱۲)، ۲۰۱-۲۱۶
- ۵) پور جعفر، محمدرضا؛ و جوهری فرخنده. (۱۳۹۲). جستاری در راستای تعیین معیارهای طراحی بدنه شهری با توجه به فرهنگ قوم ترکمن. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۶)، ۱۹۵-۲۰۸
- ۶) جلیلی صدر آباد، سمانه؛ و بلبللی شیوا. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه مصالح در نمای شهری با استفاده از رویکرد توسعه پایدار شهری. نقش جهان، ۱۸(۷)، ۴۷-۵۷
- ۷) خاتمی، سیدمهدی. (۱۳۹۸). چالش های رویه ای در طراحی نماهای شهری. انجمن طراحان شهری ایران، (۲)
- ۸) خاک زند، مهدی؛ محمدی مریم؛ جم فاطمه؛ و آقابرگی کوروش. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر طراحی بدنه های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی شناسی و زیست محیطی (نمونه های موردی: خیابان ولیعصر (عج) - شهر قشم). مطالعات شهری، ۱۰(۰)، ۱۵-۲۶
- ۹) رفیع پور، فرامرز. (۱۳۹۵). موانع رشد علمی ایران و راه حل های آن: با اضافات (کرسی های نظریه پردازی) کاربرد و محدودیت). شرکت سهامی انتشار (۱۰) رفیع پور، فرامرز. (۱۳۹۴). دریغ است ایران که ویران شود: جنگ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک مدل تحلیلی. تهران: شرکت سهامی انتشار
- ۱۱) زرکش، افسانه. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر معماری بناهای خصوصی در معماری معاصر ایران: سال های ۸۵ - ۱۳۵۷. کتاب ماه هنر، ۱۲۷(۱)، ۲۸-۳۹
- ۱۲) زهرا خدائی، علیرضا صادقی، الهه السادات سروینه باغی. (۱۳۹۷). کاربست رویکرد ایرانی اسلامی در فرآیند تحلیل و ارتقا کیفیت نماهای شهری، ۱۶(۹)، ۶۹-۸۴
- ۱۳) سیدیان، سیدعلی؛ علی نیا سعید؛ و حیدر نتاج وحید. (۱۳۹۶). گونه شناسی بافت نمای شهری (با رویکرد شکلی) (نمونه موردی میدان امام خمینی (ره) تهران). باغ نظر، ۵۳(۱۴)، ۱۵-۳۲
- ۱۴) شایگان، داریوش. (۱۳۷۸). آسیا در برابر غرب. تهران: فرزانه روز
- ۱۵) طباطبایی، ملک. (۱۳۸۴). ضرورت تلفیق نو و کهنه در جداره های شهری. جستارهای شهرسازی، ۱۴-۱۳(۴)، ۹۸-۱۰۳
- ۱۶) عطار، فرانک؛ و کاشی حسین. (۱۳۹۶). عناصر تشکیل دهنده نماها و جداره های شهری. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲۱(۱۰)، ۱۷۳-۱۹۲
- ۱۷) عقیقی، وحیده؛ طلایی مریم؛ و فهیمی فر اصغر. (۱۳۹۷). بررسی تزیینات جداره های ارزشمند تاریخی با هدف الگویی برای تداوم تزیینات معماری ایرانی - اسلامی در بدنه های شهری (مطالعات موردی: راسته بالا خیابان مشهد). نقش جهان، ۲۲(۸)، ۱۱۲-۱۲۱
- ۱۸) غضنفری، پیمان؛ و آرزو آزاده. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل موثر بر طراحی بدنه های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی شناسی و کیفی (نمونه موردی: بوستان ولایت، شهر ساری). معماری شناسی، ۲(۱)، ۲۰-۲۸
- ۱۹) فلاح آلاله؛ و سعادت سرشت محمد. (۱۳۹۳). ارائه یک روش نوین در توجیه مطلق فریم های متوالی ویدیو به منظور تهیه نقشه نماهای معابر شهری. علوم و فنون نقشه برداری، ۴(۳)، ۱۱-۲۳
- ۲۰) متدین، حشمت الله؛ و حجتی ریحانه. (۱۳۹۱).

- نماهای مصنوعی؛ ظرفیت های هویت بخش در مدیریت سیمای شهرهای جدید. منظر، ۲۰(۰)، ۷۰-۷۳
- ۲۱) مسعود، امیر بانی. (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. (علیرضا احمدیان، ویراستار). هنر معماری قرن
- ۲۲) مظفری، نگین؛ و لطیفی بیتا. (۱۳۹۵). بررسی و شناسایی انواع ناهنجاری در نماهای شهری. جستارهای شهرسازی، ۴۶(۲)، ۱۸۲-۱۹۳
- ۲۳) مهدوی نژاد، محمد جواد؛ و پورفتح اله مائده. (۱۳۹۴). فناوری های جدید نورپردازی و ارتقای حس تعلق شهروندان (مطالعه موردی: بدنه های شهری تهران). پژوهش های جغرافیای انسانی، ۹۱(۰)، ۱۳۱-۱۴۲
- ۲۴) موسوی سروینه باغی، الهه سادات؛ و صادقی علی رضا. (۱۳۹۵). ارائه فرایند طراحی جداره های شهری در جهت ارتقای کیفی ت های بصری زیبایی شناسی منظر شهری، نمونه موردی: خیابان احمدآباد مشهد. مدیریت شهری، ۴۳(۱۵)، ۹۹-۱۱۴
- ۲۵) نصر، طاهره؛ و ماجدی، حمید. (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. معماری و شهرسازی آرمان-شهر، ۱۱(۶)، ۲۶۹-۲۷۷
- ۲۶) نقی زاده، محمد؛ زمانی بهادر؛ و کرمی اسلام. (۱۳۸۹). ملاحظات فرهنگی در شکل دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی. هویت شهر، ۷(۵)، ۶۱-۷۴
- 27) Nasr, T. (2007). A Look on Identification in Architecture, International Road & Structure Monthly Magazine, 31, 69-73